

## **An Assessment of the Jurisprudential Excommunication of Believers in Personal Unity of Existence**

**Vahid Vahid Javan\***

**Sajjad Nikkhu\*\***

(Received on: 2017-04-21; Accepted on: 2018-08-28)

### **Abstract**

According to Muslim mystics, monotheism is compatible with the theory of unity of existence (*waḥdat al-wujūd*). Some Muslim jurists believe that this amounts to the disbelief in Islam, considering its advocates as disbelievers and impure. In order to elucidate the problem, this paper seeks to elaborate the theory of “personal unity of existence” in Islamic mysticism, as well as the ruling of some jurists to the effect that advocates of such theory are disbelievers and impure. This paper shows that, from the perspective of Islamic mysticism, existence *qua* existence is necessary by itself. Therefore, existence is in the true sense of the term only applicable to God. This is not to say that mystics deny the existence of creatures; instead, they attribute existence to creatures figuratively and symbolically, rather than literally. We conclude that, first of all, this contradicts the jurists’ conception of unity of existence, and second, given our explanation of unity of existence, it turns out that the theory does not imply the denial of any essential religious doctrine—indeed, mystics do not deny any essential doctrine.

**Keywords:** disbelief, impurity (*nijāsa*), unity of existence (*waḥdat al-wujūd*), mystics, jurists, Islamic mysticism.

---

\* Assistant professor, Department of Ethics and Islamic Sources, University of Tehran, Tehran, Iran (corresponding author), vahedjavan@ut.ac.ir.

\*\* PhD student, Teaching Islamic Doctrines, University of the Qur’an and Hadiths, Tehran, Iran, nikkho313@yahoo.com.

## ارزیابی حکم فقیهان معتقد به کفر و نجاست باورمندان به وحدت شخصی وجود

وحید واحدجوان\*

سجاد نیکخو\*\*

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۲/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۶/۰۶]

### چکیده

توحید در دیدگاه عارفان اسلامی با نظریه وحدت وجود هماهنگ است؛ اما برخی از فقها این برداشت را کفر و معتقدان به آن را کافر و نجس دانسته‌اند. پژوهش حاضر برای شناخت دقیق مسئله می‌کوشد ضمن تبیین مستند دیدگاه عارفان و نظریه «وحدت شخصی وجود» در عرفان اسلامی، حکم برخی از فقها به کفر و نجاست آنان را بررسی و ارزیابی کند. در این مقاله روشن می‌شود که از نظرگاه عارفان اسلامی، وجود از آن جهت که وجود است واجب بالذات است و بر این اساس، وجود و موجود حقیقی جز بر حق تعالی اطلاق نمی‌شود. عارفان مخلوقات را از اساس انکار نمی‌کنند، بلکه اطلاق وجود و موجود بر مخلوقات را به نحو مجاز، نمود و آیت می‌دانند، نه حقیقت. از این رو این دیدگاه اولاً با برداشت فقهای مذکور از وحدت وجود منافات دارد؛ ثانیاً طبق توضیح مستند وحدت وجود، روشن می‌شود که این مسئله مستلزم انکار ضرورتی از ضروریات دین نیست و عارفان هیچ‌یک از ضروریات دین را انکار نمی‌کنند.

کلیدواژه‌ها: کفر، نجاست، وحدت وجود، عارفان، فقها، عرفان اسلامی.

## ۱. طرح مسئله

توحید مهم‌ترین مسئله دین، بلکه اساس آن است. عالمان و دانشمندان دینی درباره معنا و مفهوم توحید مطالب بسیاری گفته و نوشته‌اند و عرفای اسلامی با نگاهی ویژه به توحید، آن را در نظریه وحدت شخصی وجود معنا کرده‌اند.

چون نظریه وحدت وجود، پیچیده و عمیق و همراه با بیانات و تمثیلات گوناگون است و گاه عامیانه بیان می‌شود و گاه با اصطلاحات مخصوص علم عرفان و تصوف، برخی از فقها بر اساس برداشت خود، تفسیر عارفان از توحید را کفر دانسته و به نجاست آنان حکم داده‌اند. در عین حال، برخی از فقیهان اسلامی و مسلمانان جهان (سنی و شیعه) که گرایش‌های عرفانی دارند، بر اساس تحقیق یا تقلید، قائل به وحدت وجود عرفانی هستند یا دست‌کم برداشت کفر از آن ندارند (ر.ک: خمینی، ۱۳۷۸: ۳۸۹).

پژوهش حاضر با شناخت دقیق مسئله می‌کوشد ضمن تبیین مستند دیدگاه عارفان و نظریه «وحدت شخصی وجود» در عرفان اسلامی، حکم به کفر و نجاست قائلان به وحدت وجود را ارزیابی و بررسی کند. هدف این پژوهش ارائه معنای دقیق و مستند وحدت وجود در عرفان اسلامی برای فقها و تحلیل و نقد تکفیر و تنجیس از سوی برخی از آنان است تا روشن شود نه وحدت وجود خلاف دین و اسلام و توحید است و نه تکفیر و تنجیس صحیح و قابل دفاع. با این بیان ضرورت بحث حاضر نیز روشن می‌شود؛ چراکه اگر وحدت وجود برای فقها به صورت دقیق و مستند تبیین نشود، منشأ صدور فتاوی‌های مشکل‌ساز خواهد شد و اگر ادله تکفیر و تنجیس قائلان به وحدت وجود روشن و نقد نشود، علم عرفان و تصوف اسلامی غیر دینی و غیر توحیدی قلمداد می‌شود که کفر بسیاری از حکما و عارفان برجسته اسلامی را در پی خواهد داشت.

## ۲. تبیین واژگان

### ۲-۱. کفر

«کفر» در لغت به معنای ستر و پوشاندن است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۷۱۴). اصل ماده (ک ف ر) رد و بی‌اعتنایی به شیء است. تبری و محو از آثار آن است و رد و عدم اعتنا به احسان حق از مصادیقش (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۷۹/۱۰).

کفر، در اصطلاح، ایمان نیاوردن به چیزی است که شأنش ایمان آوردن به آن است، مثل خدا، توحید، نبوت پیامبر اکرم (ص) و قیامت (ر.ک: ایجی، بی‌تا: ۳۸۸؛ بحرانی، ۱۴۰۶: ۱۷۱؛ فاضل مقداد، ۱۴۰۵: ۴۴۳). فقها بیان کرده‌اند که هر کس خارج از اسلام باشد یا خود را به اسلام نسبت دهد، ولی آنچه می‌داند ضروری دین است را انکار کند، کافر است (محقق حلی، ۱۴۰۸: ۴۵/۱). طباطبایی یزدی می‌گوید: «کافر کسی است که منکر الوهیت یا توحید یا رسالت یا یکی از ضروریات دین شود، با توجه به اینکه التفات دارد که ضروری است، به طوری که انکارش به انکار رسالت منجر شود. احوط این است که از منکر ضروری به صورت مطلق اجتناب شود، گرچه ملتفت نباشد که فلان چیز ضروری است» (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹: ۶۷/۱).

### ۲-۲. نجاست

نجاست به معنای قذارت، آلودگی، پلیدی و ناپاکی است و به چیزی که پلید و ناپاک باشد نجس می‌گویند (ر.ک: ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۶۲۲/۶؛ راغب، ۱۴۱۲: ۱۹۷).

در اصطلاح، نجس معنایی اعتباری است که شارع مقدس آن را در بعضی از اعیان نجس مثل بول، خون، سگ و خوک به طور ذاتی و در اشیائی که با یکی از نجاسات متنجس شوند به طور عرضی اعتبار کرده است؛ در اموری مانند برخی از عبادات لازم است از نجاسات اجتناب شود (ر.ک: محقق حلی، ۱۴۰۸: ۴۳/۱؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹: ۵۵/۱؛ مشکینی، بی‌تا: ۵۳۰-۵۳۲).

## ۲-۳. وحدت شخصی وجود در عرفان اسلامی

### ۲-۳-۱. وحدت و کثرت

«واحد» در کتاب‌های لغت فارسی به معنای یک، یکی، یگانه و یکتا (معین، ۱۳۶۲: ماده واحد) آمده و «وحدت» به معنای یگانه شدن، یکتایی، یگانگی و انفراد (دهخدا، ۱۳۷۷: ماده وحدت). «کثیر» نیز به معنای فراوان و بسیار (معین، ۱۳۶۲: ماده کثیر) به کار رفته و «کثرت» به معنای بسیاری، فراوانی، افزونی و زیادتی (دهخدا، ۱۳۷۷: ماده کثرت).

این کلمات از مفاهیم عامد که خودبه‌خود تصور می‌شوند و نیازی به تعریف ندارند؛ به همین جهت تعریف‌هایی که برای آنها ذکر شده، دوری و تعریف شیء به خودش است (ر.ک: صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱: ۸۲/۲، طباطبایی، بی‌تا: ۱۳۸).

### ۲-۳-۲. وجود

مفهوم وجود که در فارسی به هستی، بود، بودن و یافتن معنا می‌شود (دهخدا، ۱۳۷۷: کلمه وجود) مفهومی بدیهی است که تعقل آن نیاز به وساطت مفهوم دیگری ندارد و خودبه‌خود ادراک می‌شود. از این رو معرف (اعم از حد و رسم) ندارد؛ زیرا معرف باید مفهومی روشن‌تر از معرف داشته باشد، حال آنکه مفهومی واضح‌تر از مفهوم وجود نیست. بنابراین آنچه در تعریف وجود آمده، در واقع شرح اسم است. علاوه بر آن، وجود جنس و فصل و عرض خاصی که از کلیات خمس به شمار می‌رود، ندارد، در حالی که معرف از همین امور تشکیل می‌شود؛ بنابراین وجود معرف ندارد (طباطبایی، بی‌تا: ۱۰).

در کتاب‌های حکمی و عرفانی (ر.ک: صدرالمآلهین شیرازی، ۱۹۸۱: ۳۴۵/۲) وجود دست‌کم چند اطلاق و اصطلاح دارد:

الف) وجود به معنای وجدان: در این اصطلاح، وجود چیزی است که دیگری آن را دریابد، مانند معلوم که برای عالم موجود است؛

ب) وجود به معنای مصدری و اثباتی: این معنا مفهوم جامع وجود است؛ یعنی بودن که شامل بودن بالذات و بودن بالغیر می‌شود؛

ج) وجودات مقیده و هستی‌های خاص، مانند وجود انسان و وجود درخت؛  
د) نفس رحمانی یا همان وجود عام و منبسط که از آن به وجود مطلق تعبیر می‌کنند؛ اطلاق در این تعبیر قید وجود است و لایبشرط بودن آن قسمی است، نه مقسمی (ر.ک: فناری، بی‌تا: ۱۵۰، ۱۵۳؛ قیصری، ۱۳۷۵: ۲۵۷)؛

ه) تحقق عینی بالذات و فی نفسه در مقابل تحقق بالغیر و فی غیره؛  
و) وجود لایبشرط مقسمی که منزّه از هر عیب و نقص، و مقدس از هر کمال ناقص و محدود است (ر.ک: قونوی، ۱۳۸۱: ۱۱۶؛ قیصری، ۱۳۸۱: ۸).

مراد از وجود در بحث وحدت شخصی وجود در عرفان اسلامی اصطلاح پنجم و ششم است؛ دقت در این مسئله بسیاری از سؤالات و شبهات را از بین می‌برد (ر.ک: جوادی آملی، بی‌تا: ۲-۱۷۴/۵).

## ۲-۳-۳. محتوای وحدت شخصی وجود در آثار عرفا

با توجه به آثار عرفا و محققان تصوف اسلامی، می‌توان وحدت وجود را به ترتیب زیر تبیین کرد:

### ۲-۳-۳-۱. واحد بودن وجود حقیقی

مدعای وحدت شخصی وجود این است که در دار هستی تنها یک وجود و موجود حقیقی است. این مطلب در آثار مختلف عرفانی منعکس شده است؛ برای نمونه، بزرگانی مانند محیی‌الدین ابن عربی (بی‌تا: ۶۳/۱)، صدرالدین قونوی (۲۰۱۰: ۲۰)، سید حیدر آملی (۱۳۵۲: ۵۱۵؛ ۱۳۸۴: ۳۱۱) و آقا محمدرضا قمشه‌ای (۱۳۷۸: ۳۹) به آن تصریح کرده‌اند.

### ۲-۳-۳-۲. صرف و واجب بودن وجود حقیقی

وجود در مدعای وحدت شخصی وجود، صرف، بحت و واجب است. صدرالدین قونوی (۲۰۱۰: ۲۲)، فناری (بی‌تا: ۱۵۰)، قیصری (۱۳۷۵: ۱۸)، سید حیدر آملی (۱۳۸۴: ۱۲۳)، آقا محمدرضا قمشه‌ای (۱۳۷۸: ۱۷۸)، علامه سید محمدحسین طباطبایی (۱۴۲۷: ۶۵) و دیگر بزرگان اهل عرفان زوایایی از این مسئله را بیان کرده‌اند. در آثار عرفانی تصریح

ارزیابی حکم فقیهان معتقد به کفر و نجاست باورمندان به وحدت شخصی وجود / ۳۶۹

شده که وحدت وجود وحدت عددی نیست، بلکه وحدت حقیقی و بالصرافه است (قمشهای، ۱۳۷۸: ۱۷۸؛ طباطبایی، ۱۴۲۷: ۶۵).

### ۲-۳-۳. خداوند همان وجود حقیقی

وجودی که واحد، صرف و واجب بالذات است، وجود خداوند است که تجلی کرده و در مظاهر گوناگون و آیات مختلف نمایان شده است. عرفایی مانند ابن عربی (بی تا: ۸۰/۳؛ ۱۹۴۶: ۹۶)، عبدالرزاق کاشانی (۱۳۷۰: ۲۸۵)، قیصری (۱۳۷۵: ۶۷۵) و سید حیدر آملی (۱۳۶۸: ۶۵۹) به این مطلب تصریح کرده‌اند.

### ۲-۳-۴. عدم نبودن کثرات و موجودات

در وحدت شخصی وجود مراد این نیست که ماسوای خدا، یعنی کثرات و مخلوقات، هیچ موجودیتی ندارند و عدم محض (مطلق و از جمیع جهات)، هیچ و پوچ یا خیال و توهم صرفند.<sup>۱</sup> به تعبیر دیگر، وحدت شخصی وجود به معنای وحدت محض بدون کثرات نیست، بلکه حق تعالی مصداق بالذات وجود و موجود حقیقی است و مخلوقات موجود به وجود حق، یعنی موجود بالعرض و بالتبع، و قائم به او هستند و از خود کوچک‌ترین استقلالی ندارند. محیی‌الدین ابن عربی در مواضع گوناگون فتوحات تصریح می‌کند که نزد محققان صوفیه ثابت شده در دار هستی جز الله چیزی نیست و ما گرچه موجودیم، وجود ما بالله است (ابن عربی، بی تا: ۱/ ۹۰، ۲۷۹؛ ۳۹۸/۳). وی همچنین تأکید می‌کند که هر موجودی در تحققش نیازمند به خدا است؛ پس کل عالم «موجود به» است و تنها خدا «موجود بالذات» است (همان: ۳۶/۱).

صدرالمتألهین شیرازی تصریح می‌کند که وحدت شخصی وجود نزد عرفا وحدت محض و بدون پذیرش موجودات دیگر (مخلوقات) نیست و عرفا چنین نظری ندارند، اگرچه بیشتر کسانی که متخصص و محقق فن عرفان نیستند، چنین گمانی دارند (صدرالمتألهین شیرازی، ۱۹۸۱: ۳۱۸/۲). وی به صراحت می‌گوید: «کسی که قدم راسخ در تصوف و عرفان دارد، وجود ممکنات را از اساس نفی نمی‌کند» (همان: ۳۲۳/۲).

در عرفان اسلامی و بر اساس وحدت شخصی وجود، مخلوقات و کثرات را وجود و موجود حقیقی و بالذات نمی‌دانند، بلکه به آنها وجود و موجود مجازی می‌گویند؛ زیرا چنانکه گذشت، وجود و موجود حقیقی یکی بیش نیست و آن فقط حق تعالی است (ر.ک: آملی، ۱۳۵۲: ۴۰۷؛ ۱۳۶۸: ۶۶۸؛ ۱۳۸۴: ۱۷۴).

### ۲-۳-۵. نفی تشکیک از وجود حقیقی

بر اساس وحدت شخصی وجود، وجود از حیث وجود بودن، هیچ کثرت و تشکیکی نمی‌پذیرد، بلکه کثرت و تشکیک وصف ظهورات و آیات وجود است، نه خود وجود (ر.ک: فناری، بی‌تا: ۱۶۷؛ ابن‌ترکه، ۱۴۲۴: ۱۰۸؛ حسن‌زاده آملی، ۱۳۸۳: ۶۱؛ جوادی آملی، ۱۳۷۲: ۵۹/۱).

### ۲-۳-۶. تمایز حق و خلق

در وحدت وجود، حق متعال به امتیاز احاطی از خلق ممتاز است و حق و خلق عین هم نیستند<sup>۲</sup> (ر.ک: رضانی، ۱۴۲۴: ۷۴).

### ۲-۳-۷. وحدت وجود یا وحدت وجود و موجود

آنچه گذشت محتوای وحدت شخصی وجود در عرفان اسلامی است که ممکن است با تعبیر گوناگونی در آثار عرفانی بیان شود؛ از جمله «وحدت شخصی وجود»، «وحدت وجود و موجود»، «وحدت وجود و وحدت موجود»، «وحدت وجود و کثرت نمود»، «وحدت وجود و کثرت مظاهر»، «وحدت وجود و کثرت موجود» و «وحدت وجود و کثرت اعیان». توضیح اینکه اگر مراد از وجود، وجود حقیقی و مراد از موجود، موجود حقیقی باشد، عرفا قائل به «وحدت وجود و موجود» یا به تعبیر دیگر «وحدت وجود و وحدت موجود»ند؛ چراکه وجود حقیقی و موجود حقیقی فقط حق تعالی است. البته با این بیان، کثرات خلقی که وجودات یا موجودات مجازی‌اند نفی نمی‌شوند. این بیان ناظر به وجود و موجود حقیقی، یعنی خداوند متعال است و کثرات خلقی، یعنی وجودات و موجودات مجازی و نموده‌ها و آیات، مشمول آن دو عبارت نیستند.



شایان ذکر است که «وحدت وجود و موجود» این معنای غلط و باطل را نیز دارد که کثرات خلقی حتی به صورت موجود مجازی و نمود و آیت مطرح نباشند و فقط خدا بدون کثرات خلقی و تعینات وجودی باشد؛ به تعبیر دیگر، هیچ کثرتی در عالم نباشد، به گونه‌ای که به نفی خالقیت - مخلوقیت و عابدیت - معبودیت منجر شود و هر چه هست، فقط خدا باشد و بس. این سخن - که چه بسا از جهله صوفیه صادر شود - غیر قابل دفاع و مستلزم اباطیل دیگر است. عارفان شامخ و محققان صوفیه، قبل از همه، آن را باطل، نادرست و خلاف عقل و کشف و شرع دانسته‌اند. بنابراین اگر سخن یا نوشته‌ای از بزرگان اهل معرفت موهم این نوع از وحدت وجود و موجود باشد، از متشابهات محسوب می‌شود که باید به محکمت برگردانده و با اصول و قواعد مسلم عرفان تفسیر شود.

اگر مراد از وجود و موجود، وجود و موجود مجازی باشد، قول به کثرت وجود و موجود درست و مد نظر عرفا است. در این عبارت، وجود و موجود حقیقی مد نظر نیست و فقط به کثرات نگاه شده است. اگر مراد از وجود، وجود حقیقی و مراد از موجود، موجود مجازی باشد، قول به وحدت وجود و موجود یا کثرت وجود و موجود غلط و باطل است، بلکه وحدت وجود و کثرت موجود درست خواهد بود. در عبارت «وحدت وجود و کثرت موجود» مراد از وجود، وجود حقیقی یعنی حق تعالی است و مراد از موجود، موجود مجازی یعنی کثرات خلقی. این عبارت بیان دیگری از «وحدت وجود و کثرت موجودات مجازی» یا «وحدت وجود و کثرت نمود» است (واحدجوان، ۱۳۹۲: ۱۲۱-۱۲۵).

## ۲-۳-۵. تصورات یا تقریرات نادرست از وحدت شخصی وجود

با تبیین معنای «وحدت شخصی وجود» در عرفان روشن می‌شود که برخی تصورات یا دست‌کم بیانات و تقریرات از این مسئله نادرست است؛ از جمله:

الف) وحدت شخصی وجود به معنای نفی مطلق کثرات و موجودات خلقی است؛ به گونه‌ای که با اعتقاد به وحدت شخصی وجود، هیچ کثرتی و هیچ موجودی به هیچ

وجه پذیرفته نشود و وحدت محض حاکم باشد (ر.ک: مطهری، بی‌تا: ۲۱۹/۵؛ ۱۸۲/۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ۱۰۱/۱؛ محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۹: ۳۵۲؛ صافی گلپایگانی، بی‌تا: ۶۲/۳).

ب) وحدت شخصی وجود یعنی اینکه خدای تبارک و تعالی همین کثرات و موجودات است که به صورت جمعی، یکجا و واحد اعتبار می‌شود یا اینکه خداوند کل مجموعه اجزاء (عالم) است، به این بیان که مجموع اجزاء کل را تشکیل می‌دهد و آن کل خدا است (ر.ک: صافی گلپایگانی، بی‌تا: ۶۲/۳، پاورقی؛ صلیبا و صناعی دره‌بیدی، ۱۳۶۶: ۶۶۴).

ج) معنای وحدت شخصی وجود این است که وجود — حق تعالی — یکی است و در همه اشیا به نحو حلول و سریان، ساری و جاری است و نسبت حق تعالی به اشیا نسبت مظلوف به ظرف است و نسبت اشیا به خداوند نسبت ظرف به مظلوف (ر.ک: تهانوی، ۱۹۹۶: ۷۰۹/۱؛ سجادی، ۱۳۷۳: ۷۶۲/۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ۱۰۲/۱).

در بیان عارفان، ذات خدای تعالی منزّه است از اینکه در اجسام حلول کند (ابن‌عربی، بی‌تا: ۵۲/۳)؛ عارفان همچنین با صراحت تأکید می‌کنند که فقط ملحدان معتقد به اتحاد می‌شوند (همان: ۳۷۲/۴).

د) وحدت شخصی وجود دقیقاً وحدت تشکیکی وجود در نظام فلسفی و حکمت متعالیه است یا برای تصحیح آن باید به تشکیک وجود فلسفی برگردد (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۸۷: ۱۵۶/۱؛ همو، ۱۳۷۹: ۳۸۴/۱؛ حائری یزدی، بی‌تا: ۴۹، ۵۰، ۱۰۰، ۱۳۰، ۱۷۴؛ تهرانی، ۱۳۵۱: ۱۵۰).

### ۳. نظرات برخی از فقها

در بیان برخی از فقها کفر، سپس نجاست معتقدان به وحدت شخصی وجود از لوازم شرعی وحدت وجود است. برخی از فقها قائل به کفر بودن اعتقاد به وحدت وجود بوده‌اند، برخی دیگر فتوا به کفر قائلان به وحدت وجود (کاشف الغطاء، بی‌تا: ۱۹۹/۴) و به تبع آن، نجاست آنان داده‌اند<sup>۳</sup> (ر.ک: طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹: ۱۴۰/۱). البته در بیشتر، بلکه همه موارد، فتوا به کفر و نجاست مشروط به شرایط<sup>۴</sup> (همان: ۱۴۱/۱) و با توجه به معنایی از معانی وحدت وجود (در نظرشان) بوده است، نه به صورت مطلق (خویی،

ارزیابی حکم فقیهان معتقد به کفر و نجاست باورمندان به وحدت شخصی وجود / ۳۷۳

۱۴۱۸: ۱۴۹/۳). برخی نیز مسئله کفر و نجاست را به صورت احتیاط بیان کرده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴: ۳۷).

#### ۴. ارزیابی معانی مختلف وحدت وجود در کلام فقها

##### ۴-۱. نشناختن دقیق موضوع

با دقت در معانی گوناگونی که فقها برای وحدت وجود ذکر کرده‌اند، روشن می‌شود که غالباً معنای دقیق مسئله از منظر عرفان اسلامی برایشان روشن نبوده است؛ یعنی موضوع‌شناسی به درستی صورت نگرفته است. برای نمونه، در کتاب *فقه الشیعه* گفته شده که در وحدت وجود چهار احتمال یا قول وجود دارد، سپس نظریه کثرت وجود مشاء نیز جزو این اقوال دانسته شده است. همچنین بعد از توضیح وحدت شخصی وجود، گفته شده که این معنای محصل و معقولی ندارد (ر.ک: خویی، ۱۴۱۸: ۱۴۹/۳).

نقد این سخن آنکه کثرت وجود و موجود جزو احتمالات یا اقوال وحدت وجود نیست. همچنین برای اهل حکمت و عرفان واضح است که وحدت شخصی وجود معنای معقول و مبرهنی دارد که با شواهد قرآنی و روایی سازگار است (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۷۲: ۳۷۷/۳). اینکه وجود خداوند اصل و حقیقی است و دیگر موجودات (مخلوقات) آیات و ظهورات او هستند و از خود کوچک‌ترین استقلالی ندارند، معنایی مقبول و مبرهن است که وحدت شخصی وجود بیان ادق همین مسئله است (همان).

برخی از فقهای بزرگ تأکید می‌کنند که حقیقت معنای وحدت شخصی وجود برای ما روشن نشده و نمی‌دانیم مراد عرفا از این مسائل چیست (خویی، بی‌تا: ۷۶/۳). این نیز شاهد خوبی است که مراد عرفا برای برخی از فقهای عظام روشن نشده است.

برخی از فقیهان وحدت شخصی وجود را همه‌خدایی تصور کرده‌اند و گفته‌اند اگر این مسئله صورت معقول داشته باشد، کفر است؛ یعنی اولاً صورت معقول ندارد، ثانیاً وحدت شخصی وجود، یعنی کل موجودات، عین خدا هستند و خدا عین کل موجودات است (سبزواری، ۱۴۱۳: ۳۸۸/۱).

در نقد گفته می‌شود که عرفای اسلامی نه تنها برای مخلوقات بهره‌ای از الوهیت و ربوبیت ذاتی قائل نیستند، بلکه غیر حق تعالی را بهره‌مند از وجود حقیقی نمی‌دانند. عرفا معتقدند که مخلوقات وجود حقیقی ندارند، بلکه موجود بالوجود هستند؛ پس عکس آنچه عرفا درباره موجودات معتقدند به ایشان نسبت داده می‌شود. به سخن دیگر، عارفان شأن و منزلت خلق را به قدری کم می‌دانند که برای هیچ یک از مخلوقات و موجودات حظی از حقیقت وجود قائل نیستند و تحقق خارجی آنها را در حد حالات و شئون حقیقت وجود می‌دانند.

بر همین اساس، می‌توان گفت در واقع بینوتی که عرفان برای حق و خلق قائل است در هیچ برداشت دیگری وجود ندارد؛ زیرا عرفا وجود را مساوی حق متعال می‌دانند و هر یک از مخلوقات، تنها در حد خود، آیت و نشانه آن وجود است.

در بیان ابن عربی، غنای حق با توجه به ذاتش مطلق است و فقر خلق نیز با توجه به ذاتش مطلق؛ پس حق از خلق متمایز است. در اینجا دو شیئیت بیشتر نیست: شیئیت حق و شیئیت خلق. در افتقار هیچ چیز شبیه خلق نیست؛ چراکه غیر از حق چیزی در مقابل خلق نیست و حق متصف به افتقار نمی‌شود. از طرف دیگر، در غنا نیز چیزی مثل حق نیست؛ زیرا جز حق و خلق چیزی در کار نیست و خلق نیز متصف به غنای ذاتی نمی‌شود (ابن عربی، بی تا: ۵۳۵/۳).

به بیان ابن عربی، از خزائن جود این است که انسان بداند که برای او جامعی بین عبودیت و ربوبیت به هیچ وجه از وجوه وجود ندارد؛ آن دو شدیدترین تقابل را با یکدیگر دارند (همان: ۳۷۱/۳).

همچنین عینیتی که عرفا در بعضی عباراتشان می‌گویند عینیت اصطلاحی عرفانی است، نه عینیت عرفی، فقهی یا فلسفی. محیی‌الدین ابن عربی در فتوحات عینیت حق با خلق، که در برخی آثار بیان شده، را چنین توضیح داده است: «هو عین کل شیء فی الظهور ما هو عین الأشياء فی ذواتها سبحانه و تعالی بل هو هو و الأشياء أشياء» (ابن عربی، بی تا: ۴۸۴/۲).

آیت‌الله جوادی آملی درباره این عبارت ابن‌عربی که «فهو عین کل شیء فی الظهور، ما هو عین الأشياء فی ذاتها سبحانه و تعالی بل هو هو و الأشياء الأشياء» توضیح می‌دهد که این عبارت یعنی عینیت او با اشیا در وجود نیست، بلکه در مقام ظهور است و عینیت در ظهور به لحاظ هر دو جهت ایجاب و سلب اشیا نیست. حق تعالی نه در ذات، بلکه در ظهور، عین اشیا است و عینیت او نیز در ذات اشیا نیست تا آنکه جهت سلبی اشیا ظهور او را مقید کند (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۳۱۸/۲). وی بیان می‌کند که حق تعالی از جهت ذات خود، که همان وجود محض نامحدود است، در معرض حمل هیچ شیئی نیست؛ هیچ حملی به لحاظ ذات الهی واقع نمی‌شود و اشیا نیز با خصوصیات به لحاظ ذات خود و با حفظ خصوصیات سلبی خود بر او حمل نمی‌شوند. خدای سبحان به لحاظ ظهور در قضیه قرار می‌گیرد و اشیا نیز از جهت مظهر بودن با ظاهر خود اتحاد می‌یابند. به لحاظ ظهور، خدای سبحان عین همه اشیا است، در حالی که ظهور او هیچ یک از اشیا نیست و قید هیچ شیئی ظهور او را محدود و مقید نمی‌کند (همان). اگر مراد عینیت عرفی یا فلسفی باشد، محکوم و مردود است؛ اما مراد عارفان چنین نیست.

برخی از فقها بعد از نقل عبارت حکیم سبزواری، چون تصور مسئله برایشان مشکل و حتی غیر ممکن بوده، تصریح کرده‌اند که حسن ظن به عرفا اقتضا می‌کند که حرفشان را بر خلاف ظاهر گفتارشان حمل کنیم، وگرنه با وجود این اقوال چگونه وجود خالق و مخلوق، آمر و مأمور و راحم و مرحوم صحیح خواهد بود؟ (حکیم، ۱۴۱۶: ۳۹۱/۱).

نقد این سخن آنکه طبق نظریه وحدت شخصی وجود، کثرات و موجودات و مخلوقات جایگاه دارند و هیچ‌گاه به طور مطلق نفی نمی‌شوند. مخلوقات آیات خدا هستند و آیتیت جزو ذات، اوصاف و افعال مخلوقات است (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۷۲: ۲۹۱/۳ به بعد)؛ از این رو خالق و مخلوق، عابد و معبود، رازق و مرزوق، راحم و مرحوم کاملاً معنا دارد و هیچ کدام نفی نمی‌شود. غایت الامر، به شکل عرفانی تفسیر می‌شوند، نه به شکل عامیانه، متکلمانه و فیلسوفانه؛ بنابراین وجود (=حق) خالق است و آیات او مخلوقات اویند، وجود رازق است و آیات او مرزوقند، وجود راحم است و آیات او مرحومند، وجود معبود است و آیات او عبد و عابدند.

ابن عربی تأکید می‌کند که کثرت موجود است و اغیار مشهودند و عالم و جاهل، آمر و مأمور، حاکم و محکوم علیه و محکوم به و محکوم فیه، مرید و مراد، تخییر و جبر، فاصل و مفصول، واصل و موصول قریب و اقرب و وعد و وعید و... [همه موجود و مشهودند] (ابن عربی، بی تا: ۲۳۱/۳).

#### ۴-۲. عدم انکار ضرورتی از ضروریات دین

نکته دیگر اینکه در اصطلاح فقه، کافر به کسی گفته می‌شود که دین اسلام یا یکی از ضروریات آن را، با التفات به ضروری بودن، نپذیرد (ر.ک: محقق حلی، ۱۴۰۸: ۴۵/۱). مسلمان قائل به وحدت شخصی وجود در عرفان اسلامی خداوند متعال توحید، رسالت پیامبر عظیم الشان و معاد را قبول دارد و ضرورتی از ضروریات دین را منکر نیست. برای نمونه، محیی‌الدین ابن عربی، که بزرگ عارفان و صوفیان و پدر عرفان نظری اسلامی است (ر.ک: مطهری، بی تا: ۵۷۶/۱۰؛ ۹۹/۲۳، ۳۲۸، ۳۵۳)، در مقدمه فتوحات مکیه همه برادران و دوستان را شاهد می‌گیرد و عقایدش را ذکر می‌کند تا این عقاید به منزله محکماتی باشند برای ارجاع متشابهات کلامش. برخی از عبارات وی چنین است:

كما أشهدت الله و ملائكته و جميع خلقه و إياكم على نفسى بتوحيد، فكذلك أشهده- سبحانه- و ملائكته و جميع خلقه و إياكم على نفسى، بالإيمان بمن اصطفاه و اختاره، و اجتهاه من وجوده، ذلك سيدنا محمد الذى أرسله إلى جميع الناس كافة بشيراً و نذيراً و داعياً إلى الله بإذنه و سراجاً مُنيراً. فبلغ ما أنزل من ربه إليه و أدى أمانته، و نصح أمته و وقف فى حجة وداعه، على كل من حضر من أتباعه. فخطب و ذكر، و خوف و حذر، و بشر و أنذر و وعد و أوعد... إني مؤمن بكل ما جاء به مما علمت و ما لم أعلم. فمما جاء به فقر أن الموت عن أجل مسمى عند الله، إذا جاء لا يؤخر. فانا مؤمن بهذا، إيماناً لا ريب فيه و لا شك. كما آمنت و أقررت أن سؤال فتانى القبر، حق؛ و عذاب القبر و بعث الأجساد من القبور، حق؛ و العرض على الله تعالى حق؛ و الحوض حق و الميزان حق؛ و تطاير الصحف حق و الصراط حق و الجنة حق و النار

حق؛ و فریقا فی الجنة و فریقا فی النار حق؛ و کرب ذلک الیوم حق (ابن عربی، بی تا: ۱/۱۷۱).

از این رو عارف خدا و توحید را بر اساس برداشت خود تبیین می‌کند؛ چنانکه فقیه، متکلم و فیلسوف نیز خدا و توحید را بر اساس فهم و برداشت خود ادراک می‌کنند و شرح می‌دهند. بیان بیشتر اینکه چنانکه رأی مفسر، فقیه و متکلم متشرع در برابر رأی قرآن و امامان معصوم (ع) نیست، بلکه فهم آنها از قرآن و روایات محسوب می‌شود — یعنی فقیه و مفسر متشرع می‌گوید من آیات قرآن و روایات را طبق ضوابطی که دارم، چنین می‌فهمم — فهم عارف متشرع از آیات و روایات نیز چنین است؛ از این رو فهم او در مقابل و در عرض قرآن و روایات نیست تا کسی بگوید رأی قرآن یا اهل بیت (ع) این است و رأی فلان عارف شیعه آن، بلکه عارف متشرع می‌گوید فهم من از آیات و روایات طبق ضوابطی که دارم چنین است.

قرآن کریم و روایات معصومان (ع) بهترین منبع برای رسیدن به حقیقتند؛ ولی محکم و متشابه، مطلق و مقید، مجمل و مبین، عام و خاص، و ظاهر و باطن دارند و حتی برخی از امور اهل بیت (ع)، به تعبیر خودشان، صعب مستصعب (بسیار دشوار)ند (ر.ک: کلینی، ۱۳۶۵: ۱/۴۰۱). تمام فرق اسلامی — مانند شیعه اسماعیلی، شیعه دوازده امامی، سنی اشعری، معتزلی — مدعی فهم قرآن کریم هستند و ادعای تبعیت از قرآن کریم را دارند؛ ولی آیا همه آنان راه حق را پیموده‌اند و آیات قرآن کریم را درست فهمیده‌اند؟ همه شیعیان دوازده امامی با گرایش‌های مختلف تفسیری، فقهی، اصولی، اخباری، کلامی، فلسفی و عرفانی به قرآن و روایات اهل بیت (ع) تمسک می‌کنند؛ آیا همه آنان در هر مسئله، واقع را ادراک کرده‌اند؟

هیچ کس در فهم و برداشت از قرآن کریم و سنت پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) معصوم نیست و امکان خطا دارد و خطا نیز می‌کند. از این رو کسی حق ندارد از ابتدا و بدون حجت معتبر عقلی یا نقلی عقاید، روش و اعمال خود را مطابق کتاب و سنت بدانند و دیگران را بدون دلیل معتبر و کافی رد کنند.

اگر راه و روش و مکتب و مسئله‌ای واقعاً مخالف قرآن کریم و اهل بیت (ع) و عقل قطعی باشد، به هر اسمی باشد، محکوم و مذموم و اگر موافق آن باشد، صحیح خواهد بود. البته در اینکه فلان مکتب، روش یا مسئله مخالف با قرآن و اهل بیت یا عقل قطعی است یا نیست، نباید شتابزده عمل کرد یا مصادره به مطلوب داشت. به نظر نگارنده، گاهی برخی با یک یا چند روایت - بدون لحاظ سند و دلالت کافی، بدون لحاظ مجموعه روایات، بدون لحاظ عقل و تعقل و بدون لحاظ آیات قرآن کریم - حکم به باطل بودن روش یا مسئله‌ای عرفانی می‌دهند و گاهی بدون اقامه دلیل معتبر و کافی، از ابتدا، دیدگاه خود را مطابق کتاب و عترت و خلاف آن را مخالف کتاب و عترت می‌خوانند. به تعبیر دیگر، اول الکلام را قطعی می‌پندارند و مثلاً می‌گویند «وحدت وجود مخالف قرآن و روایات است»، حال آنکه این ابتدای بحث است. عارف متشرع می‌گوید وحدت وجود مغز و حقیقت آیات و روایات است (ر.ک: خمینی، ۱۳۷۸: ۳۸۹؛ حسن‌زاده آملی، ۱۳۸۳؛ جوادی آملی، ۱۳۷۲: ۳/کل کتاب) و متکلم متشرع می‌گوید خلاف آیات و روایات است. مسئله محل نزاع عارف و متکلم است و هر دو باید دلیل معتبر و کافی اقامه کنند، نه اینکه یکی اول الکلام را برای خود مصادره کند.

در فتاوایی که نقل شد، فقهای که فتوا به کفر یا نجاست قائلان به وحدت وجود داده‌اند، غالباً آن را مقید به شرط کرده‌اند؛ به این بیان که اگر مستلزم مفاسد یا لوازم فاسد باشد یا اگر ملتزم به لوازم فاسدش شوند، کافر و نجسند؛ اما جالب است که برخی از فقهای بزرگ تصریح کرده‌اند اگر قائل به وحدت شخصی وجود ملتزم به لوازم فاسد نشود، بلکه به همراه اعتقادش به وحدت وجود همراه با اعتقاد به بهشت و جهنم و انبیا باشد، نه تنها موجب کفر نیست، بلکه کمال توحید است. عبارت این است:

لهذه المقالة لوازم فاسدة كثيرة، فإنه على هذا لا يكون في البين من يعاقب و من يعاقب، و من ينعم و من ينعم عليه، و من يرسل النبي و من يرسل الرسل إليهم. و بالجملة فلازمه بطلان الثواب و العقاب، و الجنة و النار و الأنبياء و إنكار المنعم، و هذا إنكار للضرورة في جميع الأديان من الاعتراف بجميع ذلك، فإن كانوا ملتزمين بذلك فلا إشكال في كفرهم و نجاستهم. و أما إن لم يلتزموا بهذه



ارزیابی حکم فقیهان معتقد به کفر و نجاست باورمندان به وحدت شخصی وجود / ۳۷۹

اللوایم، بل مع الاعتقاد المزبور كانوا معتقدين بالجنة والنار، و الأنبياء والمنعم، فمجرد الاعتقاد المذكور لا يوجب كفرهم فإنه كمال التوحيد لله تعالى (اراکى، ۱۴۱۳: ۵۵۲/۱).

البته اگر کسی وحدت وجود را به معانی نادرست و غیر قابل دفاع<sup>۳</sup> حمل کند و به آن معتقد شود، مفاسد و لوازم فاسدی به همراه خواهد داشت که علاوه بر فقها، عرفای شامخ و محققان تصوف آن را به شدت محکوم کرده و فتوا به کفر و الحاد داده‌اند (ر.ک: ابن عربی، بی تا: ۴/۳۷۲؛ قمشاهی، ۱۳۷۸: ۱۷۸؛ حسن زاده آملی، ۱۳۸۳: ۳۷).

بنابراین اگر وحدت شخصی وجود بر اساس نظر عرفای شامخ تصور و تبیین شود، اصل و لوازم آن هیچ‌گاه کفر نخواهد بود، بلکه عین توحید و ایمان است. علامه طباطبایی از توحید عرفانی به توحید قرآنی یا توحید اسلامی تعبیر می‌کرد (واحدجوان، ۱۳۹۲: ۹۷). وی همچنین در رسائل توحیدیه بعد از تبیین وحدت وجود عرفانی می‌نویسد:

و هذا المعنى من التوحيد أعنى الإطلاقى مما انفرد بإثباته الملة المقدسة الإسلامية و فاقت به الملك و الشرائع السالفة فظاهر ما بلغنا منهم فى التوحيد هو مقام الواحدية و انه تعالى الذات الواجبة المستجمعة لصفات الكمال فغاية ما وصل إلينا من معنى التوحيد من الملل السابقين و كلمات الحكماء المتألهين هى ما مرّ فى الفصل الثانى و الله يهدى من يشاء إلى صراط مستقيم (طباطبایی، ۱۴۲۷: ۱۴).

با منتفی شدن مسئله کفر، فتوا به نجاست معتقدان به آن نیز منتفی می‌شود.

#### ۳-۴. عدم نجاست کافر

علاوه بر مطالب فوق، نجاست کافر به صورت مطلق، محل اشکال است؛ زیرا حکم به نجاست کافر اگرچه از مختصات امامیه است، به طوری که حتی ادعای اجماع بر آن شده است (ر.ک: فاضل لنکرانی، بی تا: ۴/۲۰۴)، بین فقها در طهارت یا نجاست کافر و اهل

کتاب اختلاف نظر وجود دارد و اجماعات منقول، به جهت اصل و حجیت، تمام نیست تا جایی که برخی تصریح کرده‌اند دلیل معتبری بر نجاست ذاتی کفار وجود ندارد. به بیان دیگر، ظاهر بسیاری از روایات معتبر بر طهارت ذاتی اهل کتاب حکم می‌کند و برای نجاست غیر اهل کتاب نیز دلیل (معتبری) وجود ندارد و اصل طهارت آنان است (مکارم شیرازی، ۱۴۱۳: ۲۷).

#### ۴-۴. عدم جواز تکفیر قائل به کلمه توحید

در فقه امامیه ضمن مخالفت با تکفیر بیجا، برای تکفیرکننده مجازات در نظر گرفته شده است. از نظر فقها، نسبت‌دهنده کفر به مسلمان باید تعزیر شود (شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۷۹۶؛ ابن‌ادریس، ۱۴۱۰: ۵۲۹/۳). برخی به درستی بر آنند که در مسائل اختلافی نباید کسی را تکفیر کرد (شهید ثانی، ۱۴۱۰: ۳۳۵/۹). در بین علمای امامیه، مسئله وحدت شخصی وجود معتقدانی دارد و به یقین صحت و سقم مسئله محل اختلاف است.

در سخنان بسیاری از اندیشمندان مذاهب اسلامی نیز بر پرهیز از تکفیر تأکید شده است. آنان با عبارات گوناگون از طرد یکدیگر و نسبت دادن کفر و فسق به اهل قبله پرهیز داده‌اند (ر.ک: سبحانی، ۱۴۱۴: ۲۰-۲۲).

تحقق اسلام و مسلمانی با اظهار شهادتین صورت می‌گیرد (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹: ۲۷۳/۱) و در سیره پیامبر (ص) نیز همین برای اثبات مسلمان بودن فرد کافی است و نشان می‌دهد که قلمرو ورود به اسلام پهناور است و با اقرار فرد به اصل توحید، نبوت و معاد باید به مسلمانی او حکم کرد (ر.ک: شیخ طوسی، ۱۴۰۷: ۵۵۱/۱). حتی برخی از فقها درباره فردی که شهادتین را بر زبان جاری کرده، اما قلباً آن را نپذیرفته، حکم به مسلمانی کرده‌اند (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹: ۲۷۳/۱). برخی نیز تصریح کرده‌اند که شهادتین هرچند با باور و رفتار هماهنگ نباشد، برای حکم به مسلمانی فرد کافی است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۲۸/۱۸؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹: ۲۷۳/۱). ضرورت پرهیز از تکفیر مسلمان را می‌توان به پشتوانه آیاتی مانند «و لا تقولوا لمن القی الیکم السلام لست مؤمناً» (نساء: ۹۴) توضیح داد (ر.ک: طبرسی، ۱۴۰۸: ۱۴۶/۳؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۴۱/۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۷۳/۴).

## ۵. نتیجه

در این پژوهش روشن شد که از منظر عرفان اسلامی، وجود از آن جهت که وجود است، واجب بالذات است و بر این اساس، وجود و موجود به گونه حقیقی جز بر حق تعالی اطلاق نمی‌شود؛ اما عارفان اسلامی با نظریه وحدت شخصی وجود، یا به بیان دیگر وحدت وجود و موجود، مخلوقات را از اساس انکار نمی‌کنند و آنها را عدم نمی‌دانند. همچنین معتقد به حلول و اتحاد و همه‌خدایی نیستند. البته اطلاق وجود و موجود بر مخلوقات را طبق اصطلاح خودشان، به نحو مجاز، نمود و آیت می‌دانند، نه حقیقت. با بررسی فتاوی فقهای که قائل به کفر یا نجاست معتقدان به وحدت وجود شده‌اند روشن شد که در حکم مذکور موضوع‌شناسی دقیق صورت نگرفته است؛ از این رو برداشت و فهم فقهای مذکور با دیدگاه و نظر عارفان متفاوت است. همچنین بیان شد که عارفان اسلامی که معتقد به وحدت وجود هستند، ضرورتی از ضروریات دین را انکار نمی‌کنند. با این توضیح، فتوا به کفر یا نجاست قائلان به وحدت وجود عرفانی صحیح نخواهد بود. علاوه بر آن، اصل نجاست کافر محل اشکال است و نباید اهل قبله و مسلمان قائل به کلمه توحید را تکفیر کرد.

## پی‌نوشت‌ها

۱. عرفا، از واژه‌های خیال و هم، اعتبار و مانند آن در آثار خود استفاده کرده‌اند، اما اینها اصطلاحاتی است که باید در فضای عرفان معنا شود، نه در فضای لغت یا عرف یا علوم دیگر. آنها تحقق به حیثیت تقییدیه را تحقق مجازی، اعتباری، وهمی و خیالی می‌نامند و در مقابل، تحقق واقعی که مصداق بالذات موجودیت باشد را تحقق حقیقی می‌شمارند. به بیان دیگر، عرفا در باب تحقق کثرات، وقتی از کلمات اعتبار، وهم و خیال استفاده می‌کنند مرادشان این است که موجودات و مخلوقات، مظهر، آیت، جلوه، ظهور و نمود هستند و از خود کوچک‌ترین استقلالی ندارند، نه اینکه مطلقاً هیچ و پوچ و سراب محض هستند (ر.ک: ابن عربی، ۱۹۴۶: ۱۰۳).
۲. اگر در برخی عبارات عارفان از عینیت استفاده شده، عینیت مصطلح عرفانی است، نه عرفی یا فلسفی.

۳. مثل حاشیه سید عبدالهادی شیرازی بر عروه که نوشته است: «إن لم يكونوا قائلين بالوحدة الشخصية، و إلاً فالأقوى نجاستهم».
۴. «و القائلين بوحدة الوجود من الصوفية إذا التزموا بأحكام الإسلام فالأقوى عدم نجاستهم، إلاً مع العلم بالتزامهم بلوازم مذاهبهم».
۵. مانند حلوله اتحاد، همه‌خدایی و وحدت محض بدون پذیرش مخلوقات و کثرات.

## منابع

- آملی، سید حیدر (۱۳۸۴)، *جامع الاسرار و منبع الانوار*، تصحیح هانری کربن و عثمان یحیی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- آملی، سید حیدر (۱۳۵۲)، *المقدمات من نص النصوص*، تهران: قسمت ایران‌شناسی انستیتو ایران و فرانسه پژوهش‌های علمی در ایران، چاپ اول.
- آملی، سید حیدر (۱۳۶۸)، *نقد النقود فی معرفة الوجود*، تهران: قسمت ایران‌شناسی انستیتو ایران و فرانسه پژوهش‌های علمی در ایران، چاپ اول.
- ابن عربی، محیی‌الدین (بی‌تا)، *الفتوحات المکیه* (۴ج)، بیروت: دار الصادر، چاپ اول.
- ابن عربی، محیی‌الدین (۱۹۹۴)، *الفتوحات المکیه* (۴ج)، تحقیق عثمان یحیی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم.
- ابن عربی، محیی‌الدین (۱۳۷۵)، *فصوص الحکم*، تعلیقه ابوالعلاء عفیفی، تهران: الزهراء.
- ابن عربی، محیی‌الدین (۱۹۴۶)، *فصوص الحکم*، قاهره: دار احیاء الکتب العربیة، چاپ اول.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴)، *لسان العرب*، بیروت: دار صادر، چاپ سوم.
- اراکي، شیخ محمدعلی (۱۴۱۳)، *کتاب الطهاره*، قم: مؤسسه در راه حق، چاپ اول.
- ایچی، عضدالدین عبدالرحمان بن احمد (بی‌تا)، *المواقف*، قم: الشریف الرضی.
- بحرانی، ابن میثم (۱۴۰۶)، *قواعد المرام فی علم الکلام*، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- ترکه اصفهانی، صائغ‌الدین علی بن محمد (۱۴۲۴)، *التمهید فی شرح قواعد التوحید*، تصحیح و تعلیق شیخ حسن رمضان، بیروت: مؤسسه ام‌القری.
- تهانوی، محمدعلی (۱۹۹۶)، *کشاف اصطلاحات الفنون و العلوم*، بیروت: مکتبه لبنان ناشرون، چاپ اول.
- تهرانی، میرزا جواد (۱۳۵۱)، *عارف و صوفی چه می‌گوید*، بی‌جا: اسلامی، چاپ اول.

ارزیابی حکم فقیهان معتقد به کفر و نجاست باورمندان به وحدت شخصی وجود / ۳۸۳

- جوادی آملی، عبدالله (بی تا)، *رحیق مختوم*، قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۲)، *تحریر تمهید القواعد*، تهران: انتشارات الزهراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷)، *فلسفه صدر*، قم: اسراء.
- حائری یزدی، مهدی (بی تا)، *هرم هستی: تحلیلی از مبادی هستی‌شناسی تطبیقی*، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
- حسن‌زاده آملی، حسن (۱۳۸۳)، *وحدت از دیدگاه عارف و حکیم*، قم: انتشارات تشیع.
- حسن‌زاده آملی، حسن (۱۳۷۳)، *انه الحق*، قم: قیام.
- حکیم، سید محسن (۱۴۱۶)، *مستمسک العروه الوثقی*، قم: دار التفسیر، چاپ اول.
- ابن ادریس حلّی، محمد بن منصور بن احمد (۱۴۱۰)، *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- محقق حلّی، نجم‌الدین جعفر بن حسن (۱۴۰۸)، *سرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- خمینی، روح‌الل (۱۳۷۸)، *شرح چهل حدیث*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ بیستم.
- خویی، سید ابوالقاسم (بی تا)، *موسوعة الامام الخویی*، بی جا: بی نا.
- خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۸)، *فقه الشیعه*، تقریر سید محمد مهدی موسوی خلخالی، قم: مؤسسه آفاق.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، *فرهنگ (لغت نامه) دهخدا*، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲)، *المفردات فی غریب القرآن*، دمشق - بیروت: دارالعلم، چاپ اول.
- رضائی، حسن (۱۴۲۴)، *تعلیقات بر التمهید فی شرح قواعد التوحید*، بیروت: مؤسسه ام‌القری، چاپ دوم.
- سبزواری، سید عبدالاعلی (۱۴۱۳)، *مهذب الأحکام فی بیان الحلال و الحرام*، قم: دفتر آیت‌الله سبزواری، چاپ چهارم.
- سبحانی، جعفر (۱۴۱۴)، *فی ظل اصول الاسلام*، قم: مؤسسه امام صادق علیه‌السلام.
- سجادی، سید جعفر (۱۳۷۳)، *فرهنگ معارف اسلامی*، تهران: دانشگاه تهران، چاپ سوم.
- شیرازی، صدرالدین محمد (۱۹۸۱)، *الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه*، با مقدمه محمدرضا مظفر، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

صافی گلپایگانی، لطف‌الله (بی‌تا)، معارف دین، قم: دفتر نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی.

صلیبا، جمیل، صانعی دره‌بیدی، منوچهر (۱۳۶۶)، فرهنگ فلسفی، تهران: حکمت، چاپ اول  
طباطبایی، سید محمدحسین (بی‌تا)، نه‌ایه الحکمه، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین  
بقم.

طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه  
مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.

طباطبایی، سید محمدحسین (بی‌تا)، بادیه الحکمه، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین  
بقم، چاپ اول

طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۲۷)، الرسائل التوحیدیة، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.  
طباطبایی یزدی، سید محمدکاظم (۱۴۰۹)، العروة الوثقی، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.  
طباطبایی یزدی، سید محمدکاظم (۱۴۱۹)، العروة الوثقی، المحشی، محقق و مصحح: احمد محسنی  
سبزواری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۸)، مجمع البیان، بیروت: دار المعرفه.  
طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۴۰۷)، الخلاف، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه  
مدرسین حوزه علمیه قم.

عاملی، زین‌الدین بن علی بن احمد (شهید ثانی) (۱۴۱۰)، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، قم:  
کتابفروشی داوری.

فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله (۱۴۰۵)، ارشاد الطالبین، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.  
فاضل لنکرانی، محمد (بی‌تا)، تفصیل الشریعة، الطهارة (۴ج)، قم: بی‌نا.  
فناری، محمد حمزه (بی‌تا)، مصباح الأنس بین المعقول و المشهود، محقق و مصحح: عاصم ابراهیم  
الکیالی، بیروت: دار الکتب العلمیه.

قمشه‌ای، محمدرضا (۱۳۷۸)، مجموعه آثار آقا محمد رضا القمشه‌ای حکیم صهبا، محقق و مصحح:  
حامد ناجی اصفهانی، خلیل بهرامی قصرجمی، اصفهان: کانون پژوهش.

قونوی، صدرالدین محمد (۱۳۸۱)، اعجاز البیان فی تفسیر ام القرآن، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.  
قونوی، صدرالدین محمد (۲۰۱۰)، مفتاح الغیب، محقق و مصحح: عاصم ابراهیم الکیالی، بیروت: دار  
الکتب العلمیه، چاپ اول.

ارزیابی حکم فقیهان معتقد به کفر و نجاست باورمندان به وحدت شخصی وجود / ۳۸۵

قیصری، داوود (۱۳۷۵)، شرح فصوص الحکم، تصحیح و تعلیق سید جلال‌الدین آشتیانی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

قیصری، داوود (۱۳۸۱)، رسائل قیصری، رساله فی التوحید و النبوة و الولاية، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.

کاشانی، عبدالرزاق (۱۳۷۰)، شرح فصوص الحکم، قم: بیدار، چاپ چهارم.  
کاشف‌الغطاء، جعفر بن خضر (بی‌تا)، کشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

کلینی، محمد (۱۳۶۵)، الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامية.  
مصطفوی، حسن (۱۳۶۰)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.  
مطهری، مرتضی (بی‌تا)، مجموعه آثار استاد مرتضی مطهری، تهران: صدرا.  
محمدری شهری، محمد (۱۳۸۹)، زمزم عرفان، یادنامه فقیه عارف حضرت آیت‌الله محمدتقی بهجت، قم: دارالحديث.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۷)، شرح نهایه الحکمه، محقق: عبدالرسول عبودیت، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.  
مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۹)، آموزش فلسفه، بی‌جا: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل سازمان تبلیغات اسلامی.

مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری (۱۴۱۳)، المقتنعة، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.  
مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۵)، پیام امام امیرالمؤمنین، تهران: دار الکتب الاسلامیه.  
مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه.  
مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۴)، رساله توضیح المسائل، بی‌جا: پارس کتاب.  
مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۳)، استفتائات جدید، قم: مدرسه امام علی بن ابی‌طالب.  
مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۳)، تعلیقات علی العروه الوثقی، قم: امام علی بن ابی‌طالب.  
مشکینی، علی (بی‌تا)، مصطلحات الفقه، قم: نشر الهادی.  
معین، محمد (۱۳۶۲)، فرهنگ معین، تهران: امیر کبیر.  
واحدجوان، وحید (۱۳۹۲)، عرفان علامه طباطبایی در بیان استاد حسن رضائی، قم: سبط النبوی.

## References

- Amuli, Sayyid Haydar. 2005. *Jami' al-Asrar wa Manba' al-Akhbar* (The Compendium of the Secrets and the Source of the Lights). Edited by Henry Corbin and 'Uthman Yahya. Tehran: 'Ilmi va Farhangi Publications. [In Arabic]
- Amuli, Sayyid Haydar. 1973. *Al-Muqaddamat min Nass al-Nusus* (The Preliminaries from the Text of the Texts). Tehran: Iranian Studies of Iran-France Studies, Academic Research in Iran. First edition. [In Arabic]
- Amuli, Sayyid Haydar. 1973. *Naqd al-Nuqud fi Ma'rifat al-Wujud* (The Critique of the Critiques in Knowledge of the Existence). Tehran: Iranian Studies of Iran-France Studies, Academic Research in Iran. First edition. [In Arabic]
- Ibn 'Arabi, Muhyi-l-Din. n.d. *Al-Futuhāt al-Makkiyya* (The Meccan Openings). Four volumes. Beirut: Dar Sadir. First edition. [In Arabic]
- Ibn 'Arabi, Muhyi-l-Din. 1994. *Al-Futuhāt al-Makkiyya* (The Meccan Openings). Four volumes. Edited by 'Uthman Yahya. Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi. Second edition. [In Arabic]
- Ibn 'Arabi, Muhyi-l-Din. 1996. *Fusus al-Hikam* (The Bezels of the Wisdoms). Commented by Abu-l-'Ala' al-'Afifi. Tehran: al-Zahra. [In Arabic]
- Ibn 'Arabi, Muhyi-l-Din. 1946. *Fusus al-Hikam* (The Bezels of the Wisdoms). Cairo: Dar Ihya' al-Kutub al-'Arabiyya. First edition. [In Arabic]
- Ibn Manzur, Muhammad ibn Mukarram. 1983. *Lisan al-'Arab* (The Language of Arabs). Beirut: Dar Sadir. Third edition. [In Arabic]
- Araki, Shaykh Muhammad 'Ali. 1982. *Kitab al-Tahara* (The Book of Cleanliness). Qom: Mu'assisi-yi Dar Rah-i Haqq. First edition. [In Arabic]
- Iji, 'Adud al-Din 'Abd al-Rahman ibn Ahmad. n.d. *al-Mawaqif* (Stances). Qom: al-Sharif al-Radiyy. [In Arabic]
- Bahrani, Ibn Maytham. 1985. *Qawa'id al-Maram fi 'Ilm al-Kalam* (Rules of Will on the Science of *Kalam*). Qom: Library of Ayatollah Mar'ashi Najafi. [In Arabic]
- Turka Isfahani, Sa'in al-Din 'Ali ibn Muhammad. 2003. *Al-Tamhid fi Sharh Qawa'id al-Tawhid* (The Prolegomenon in Elaboration of the Rules of Monotheism). Edited and commented by Hasan Ramazani. Beirut: Mu'assisa Umm al-Qura. [In Arabic]
- Tahanawi, Muhammad 'Ali. 1996. *Kashshaf Istilahat al-Funun wa-l-'Ulum* (Uncovering the Terminologies of Arts and Sciences). Beirut: Maktaba Lubnan Nashirun. First edition. [In Arabic]



- Tihrani, Mirza Javad. 1972. *'Arif va Sufi chi Miguyad?* (What Do Mystics and Sufis Say?) Tehran: Islami. First edition. [In Persian]
- Javadi Amuli, 'Abd Allah. n.d. *Rahiq Makhtum* (Sealed Wine). Qom: Isra'. [In Persian]
- Javadi Amuli, 'Abd Allah. 1993. *Tahrir Tamhid al-Qawa'id* (Refinement of the Prolegomenon to the Rules). Tehran: al-Zahra Publications. [In Arabic]
- Javadi Amuli, 'Abd Allah. 2008. *Falsafi-yi Sadra* (Sadra's Philosophy). Qom: Isra'. [In Persian]
- Ha'iri Yazdi, Mahdi. n.d. *Hiram-i Hasti: Tahlili az Mabadi-yi Hastishinasi-yi Tatbiqi* (An Analysis of the Principles of Comparative Ontology). Tehran: Mu'assisi-yi Pazhuhishi-yi Hikmat va Falsafi-yi Iran. [In Persian]
- Hasanzadiah Amuli, Hasan. 2004. *Vahdat az Didgah-i 'Arif va Hakim* (Unity in the View of the Mystic and the Philosopher). Qom: Tashayyu' Publications. [In Persian]
- Hasanzadiah Amuli, Hasan. 1994. *Innah al-Haqq* (Indeed, He is the Truth). Qom: Qiyam. [In Persian]
- Hakim, Sayyid Muhsin. 1995. *Mustamsak al-'Urwat al-Wuthqa* (Grasping the Trustworthy Handhold). Qom: Dar al-Tafsir. First edition. [In Arabic]
- Ibn Idris al-Hilli, Muhammad ibn Mansur ibn Ahmad. 1989. *Al-Sara'ir al-Hawi li-Tahrir al-Fatawi* (The Secrets Encompassing the Refinement of Fatwas). Qom: Office of Islamic Publications affiliated with Jami'at al-Mudarrisin, Semianry of Qom. [In Arabic]
- Muhaqqiq al-Hilli, Najm al-Din Ja'far ibn al-Hasan. 1987. *Shara'i' al-Islam fi Masa'il al-Halal wa-l-Haram* (Islamic Legislations in Problems of Halal and Haram). Qom: Isma'iliyan Instiute. [In Arabic]
- Khomeini, Ruhollah. 1999. *Sharh-i Chihil Hadith* (Elaboration of Forty Hadiths). Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Work. 20<sup>th</sup> century. [In Persian]
- Khu'i, Sayyid Abu-l-Qasim. n.d. *Mawsu'at al-Imam al-Khu'i* (Encyclopedia of Imam Khu'i). n.p.:n.p. [In Persian]
- Khu'i, Sayyid Abu-l-Qasim. 1987. *Fiqh al-Shi'a* (Shiite Jurisprudence). Written by Sayyid Muhammad Mahdi Musawi Khalkhali. Qom: Afaq Institute. [In Arabic]
- Dihkhuda, 'Ali Akbar. 1998. *Lughtanami* (Dictionary). Tehran: Publishing and Printing Institute of the University of Tehran. [In Arabic]

- Raghib Isfahani, Husayn ibn Muhammad. 1991. *Al-Mufradat fi Gharib al-Qur'an* (Single Words in Peculiarities of the Qur'an). Damascus and Beirut: Dar al-'Ilm. First edition. [In Arabic]
- Ramazani, Hasan. 2003. *Ta'liqat bar al-Tamhid fi Sharh Qawa'id al-Tawhid* (Commentaries on the Prolegomenon in Elaboration of the Rules of Monotheism). Beirut: Umm al-Qura Institute. Second edition. [In Arabic]
- Sabzawari, Sayyid 'Abd al-A'la. 1992. *Muhadhdhab al-Ahkam fi Bayan al-Halal wa-l-Haram* (Refined Rulings in Articulation of Halal and Haram). Qom: Ayatollah Sabzawari's Office. Fourth edition. [In Arabic]
- Subhani, Ja'far. 1993. *Fi Zill Usul al-Islam* (Under the Sahde of Islam's Principles). Qom: Imam Sadiq Institute. [In Arabic]
- Sajjadi, Sayyid Ja'far. 1994. *Farhang-i Ma'arif-i Islami* (Dictionary of Islamic Doctrines). Tehran: University of Tehran. Third edition. [In Persian]
- Shirazi, Sadr al-Din Muhammad. 1981. *Al-Hikmat al-Muta'aliya fi-l-Asfar al-'Aqliyyat al-Arba'a* (The Transcendent Wisdom in the Four Intellectual Journeys). Prefaced by Muhammad Rida Muzaffar. Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi. [In Arabic]
- Safi Gulpayigani, Lutfullah. n.d. *Ma'arif-i Din* (The Doctrines of the Religion). Qom: Office for the Publication of the Grand Ayatollah Safi Gulpayigani's Work. [In Persian]
- Saliba, Jamil, and Sani'i Darri-Bidi, Manuchihr. 1987. *Farhang-i Falsafi* (Philosophical Dictionary). Tehran: Hikmat. First edition. [In Persian]
- Tabataba'i, Sayyid Muhammad Husayn. n.d. *Nihayat al-Hikma* (The Ultimate Wisdom). Qom: Islamic Publication Institute affiliated with Jami'at al-Mudarrisin in Qom. [In Arabic]
- Tabataba'i, Sayyid Muhammad Husayn. 1996. *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an* (The Balance in the Exegesis of the Qur'an). Qom: Islamic Publication Institute affiliated with Jami'at al-Mudarrisin in Qom. [In Arabic]
- Tabataba'i, Sayyid Muhammad Husayn. n.d. *Bidayat al-Hikma* (The Beginning of Wisdom). Qom: Islamic Publication Institute affiliated with Jami'at al-Mudarrisin in Qom. First edition. [In Arabic]
- Tabataba'i, Sayyid Muhammad Husayn. n.d. *al-Rasa'il al-Tawhidiyya* (Essays on Monotheism). Qom: Islamic Publication Institute affiliated with Jami'at al-Mudarrisin in Qom. [In Arabic]

- Tabataba'i Yazdi, Sayyid Muhammad Kazim. 1988. *Al-'Urwat al-Wuthqa* (The Trustworthy Handhold). Beirut: Mu'assisat al-A'lami li-l-Matbu'at. [In Arabic]
- Tabataba'i Yazdi, Sayyid Muhammad Kazim. 1998. *Al-'Urwat al-Wuthqa* (The Trustworthy Handhold). Commented and edited by Ahmad Muhsini Sabzawari. Qom: Islamic Publication Office affiliated with Jami'at al-Mudarrisin, Seminary of Qom. [In Arabic]
- Tabarsi, Fadl ibn al-Hasan. 1987. *Majma' al-Bayan* (The Junction of Articulation). Beirut: Dar al-Ma'rifa. [In Arabic]
- Tusi, Abu Ja'far Muhammad ibn al-Hasan. 1986. *Al-Khilaf* (The Dispute). Qom: Islamic Publication Office affiliated with Jami'at al-Mudarrisin, Seminary of Qom. [In Arabic]
- 'Amili, Zayn al-Din ibn 'Ali ibn Ahmad al-Shahid al-Thani. 1989. *Al-Rawdat al-Bahiyya fi Sharh al-Lumu'at al-Damishqiyya* (The Bright Garden in the Elaboration of Damascene Light). Qom: Davari. [In Arabic]
- Fadil Miqdad, Miqdad ibn 'Abd Allah. 1984. *Irshad al-Talibin* (Guidance of the Aspirants). Qom: Library of Ayatollah Mar'ashi Najafi. [In Arabic]
- Fadil Lankarani, Muhammad. 1995. *Tafsil al-Shari'a* (Articulation of Shari'a). vol. 4 (Cleanliness). Qom: Jami'i-yi Mudarrisin-i Howzi-yi 'Ilmiyyi-yi Qom. [In Arabic]
- Fanari, Muhammad Hamza. n.d. *Misbah al-Uns bayn al-Ma'qul wa-l-Mashhud* (The Light of Intimacy between the Intelligible and the Perceived). Edited by 'Asim Ibrahim al-Kiyali. Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmiyya. [In Arabic]
- Qumshi'i, Muhammad Rida. 1999. *Majmu'ih Athar-i Aqa Muhammad Rida al-Qumshi'i Hakim-i Sahba* (The Collected Work of Muhammad Rida Qumshi'i, the Philosopher of Inebriation). Edited by Hamid Naji Isfahani and Khalil Bahrami Qasr Chami. Isfahan: Kanun-i Pazhuhush. [In Arabic]
- Qunawi, Sadr al-Din Muhammad. 2002. *I'jaz al-Bayan fi Tafsir Umm al-Qur'an* (The Miracle of Articulation in the Exegesis of the Mother of the Qur'an). Qom: Islamic Propagation Office. [In Arabic]
- Qunawi, Sadr al-Din Muhammad. 2010. *Miftah al-Ghayb* (The Key of the Hidden). Edited by 'Asim Ibrahim al-Kiyali. Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmiyya. First edition. [In Arabic]
- Qaysari, Dawud. 1996. *Sharh Fusus al-Hikam* (Elaboration of the Bezels of the Wisdoms). Edited and commented by Sayyid Jalal al-Din Ashtiyani. Tehran: 'Ilmi va Farhangi Publications. [In Arabic]

- Qaysari, Dawud. 2002. *Rasa'il Qaysari: Risala fi-l-Tawhid wa-l-Nubuwwa wa-l-Wilaya* (Qaysari's Essays: An Essay Concerning Monotheism and Prophethood and Guardianship). Tehran: Iranian Research Institute of Philosophy. [In Arabic]
- Kashani, 'Abd al-Razzaq. 1991. *Sharh Fusus al-Hikam* (Elaboration of the Bezels of the Wisdoms). Qom: Bidar. Fourth edition. [In Arabic]
- Kashif al-Ghita', Ja'far ibn Khidr. n.d. *Kashf al-Ghita' 'an Mubhamat al-Shari'at al-Gharra'* (Uncovering the Veil from Ambiguities of the Brilliant Shari'a). Qom: Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom. [In Arabic]
- Kulayni, Muhammad. 1986. *Al-Kafi* (The Sufficient). Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya. [In Arabic]
- Mustafavi, Hasan. 1981. *Al-Tahqiq fi Kalimat al-Qur'an al-Karim* (Investigation of the Words of the Dignified Qur'an). Tehran: Bungah-i Tarjumih va Nashr-i Kitab. [In Arabic]
- Mutahhari, Murtaza. n.d. *Majmu'ih Athar-i Ustad Murtaza Mutahhari* (Collected Work of Murtaza Mutahhari). Tehran: Sadra. [In Persian]
- Muhammadi Rayshahri, Muhammad. 2010. *Zamzam-i 'Irfan, Yadnami-yi Faqih-i 'Arif Hadrat-i Ayatullah Muhammad Taqi Bahjat* (The Spring of Mysticism: In Memory of the Mystic Jurist Ayatollah Muhammad Taqi Bahjat). Qom: Dar al-Hadith. [In Persian]
- Misbah Yazdi, Muhammad Taqi. 2008. *Sharh Nihayat al-Hikma* (Elaboration of the Ultimate Wisdom). Edited by 'Abd al-Rasul 'Ubudiyyat. Qom: Imam Khomeini Education and Research Institute. [In Persian]
- Misbah Yazdi, Muhammad Taqi. 2000. *Amuzish-i Falsafih* (Teaching Philosophy). Tehran: International Printing and Publishing Company of Islamic Development Organization. [In Persian]
- Mufid, Muhammad ibn Muhammad ibn Nu'man al-'Akbari. 1982. *Al-Muqni'a* (The Convincing). Qom: World Conference of the Millenium of al-Shaykh al-Mufid. [In Arabic]
- Makarim Shirazi, Nasir et al. 1996. *Payam-i Imam Amir al-Mu'minin* (The Message of Imam Amir al-Mu'minin). Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya. [In Persian]
- Makarim Shirazi, Nasir et al. 1995. *Tafsir-i Nimunih* (The Exemplary Exegesis of the Qur'an). Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya. [In Persian]
- Makarim Shirazi, Nasir. 2005. *Risali-yi Tawzih al-Masa'il* (Essay of Fatwas). n.p.: Pars Kitab. [In Persian]

Makarim Shirazi, Nasir. 2004. *Istifta'at-i Jadid* (New Requests for Fatwas). Qom: Imam 'Ali ibn Abi Talib School. [In Persian]

Makarim Shirazi, 1992. *Ta'liqat 'ala-l-'Urwat al-Wuthqa* (Commentaries on the Trustworthy Handhold). Qom: Imam 'Ali ibn Abi Talib School. [In Arabic]

Mishkini, 'Ali. n.d. *Mustalahat al-Fiqh* (Terminologies of Jurisprudence). Qom: al-Hadi Publications. [In Arabic]

Mu'in, Muhammad. 1983. *Farhang-i Mu'in* (Mu'in Dictionary). Tehran: Amir Kabir. [In Persian]

Vahid Javan, Vahid. 2913. *'Irfan-i 'Allamih Tabataba'i dar Bayan-i Ustad Hasan Ramazani* ('Allama Tabataba'i's Mysticism in the Words of Hasan Ramazani). Qom: Sibt al-Nabiyy. [In Persian]